■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۸۰۴۹ ■ پنجشنبه ■ ۱۹ آبان ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۲۰ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ | اذان صبح فردا ۵/۱۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۶

سخن روز

امام رضا علیه‌السلام:
رحمت خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند، دانش‌های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌دانستند از ما پیروی می‌کردند. (معانی الأخبار، ص ۱۸۰، ح ۱)

نـــگاره
محمدحسین نیرومند

هنرمندان در فضای مجازی

انتشار دیدگاه‌های بورخس، نویسنده بزرگ آرژانتینی و تیتراژخوانی محمد معتمدی برای سریال گیل‌دخت بخشی از خبرهایی است که در ادامه جزئیات آنها را با هم مرور می‌کنیم. البته ناگفته نماند که تلویزیون تئاتر ایران هم قرار است مجموعه‌ای از آثار رضا صابری را پخش کند.

■ **یاد**

هرمز وحید هنرمند گرافیستی است که بیشتر به‌واسطه فعالیت در زمینه چاپ و کتاب‌آرایی شناخته می‌شود. او که در طول فعالیت حرفه‌ای خود کارهای مهمی از قبیل طراحی لوگوی شرکت اُفست را انجام داده، چنین درباره‌اش گفته می‌شود که طی حدود چهار دهه، هر سازمان و ناشر بزرگی که قصد چاپ یک یا چند کتاب گرانقدر و نفیس را داشت، اول به یاد هرمز وحید و استفاده از هنر او می‌افتاد. هرمز وحید در تاریخ ۱۷ آبان ماه سال ۱۳۰۷ متولد شد و ۴ آذر ماه سال ۱۳۷۸ در سن ۷۱ سالگی از دنیا رفت. از دوستان این هنرمند چنین نقل شده که تا واپسین روزهای زندگی‌اش پیگیرانه در کار کتابندگی می‌کوشید و با وجود سختی و محنتی که کشیده بود، با قلبی رنجور و گاه ناساز، باغیرت و سخت‌کوشی فراوان به کار طبع کتاب‌های گرانقدر ادامه می‌داد. این هنرمند که پیش‌تر عمل جراحی قلب را از سر گذرانده بود، با آسیبی که به ریه و کلیه‌اش بر اثر سکته قلبی وارد آمد، در کمتر از یک روز اعضای بدنش از کار افتاد و عالم فرهنگ و هنر را برای همیشه ترک کرد.

■ **چهره‌ها**

ایرنا خبر داده که محمد معتمدی تیتراژ پایانی مجموعه «گیل دخت» به کارگردانی مجید اسماعیلی و نویسندگی مجید آسودگان و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی را که از امشب در شبکه یک سیما روی آنتن می‌رود، خوانده است. این قطعه به آهنگسازی مسعود سخاوت‌دوست و شعری از سیدتقی سیدی تنظیم شده است. قسمت اول سریال گیل دخت پنجشنبه ۱۹ آبان ساعت ۲۲:۳۰ از شبکه یک سیما پخش می‌شود. سعید راد، میترا رفیع، رضا اکبرپور، سعید چنگیزیان، رامتین خداپناهی، شقایق فراهانی، یاسمن معاوی، پریوش نظریه، ثریا قاسمی، محمود پاک نیت، صالح میرزاآقایی، حبیب دهقان نسب، نفیسه روشن، فخرالدین صدیق شریف، حمید ابراهیمی، فریبا متخصص، محمد فیلی، رؤیا جاویدنیا بازیگران این مجموعه هستند. سریال گیل دخت محصول مرکز فیلم و سریال معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما است.

رضا صابری یکی از چهره‌های تئاتر ایران پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که در بیست‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر هم بزرگداشتی به پاس چندین دهه فعالیت مستمر در عرصه تئاتر برای او برگزار شد. حالا روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایش اعلام کرده پخش هفت فیلم‌تئاتر از آثار رضا صابری نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر در تلویزیون تئاتر ایران آغاز شده است. براساس این خبر فیلم نمایش‌های «شنا در آتش» (۱۳۷۲)، «یخبندان» (۱۳۷۳)، «عشیق» (۱۳۸۰)، «بازی نامه باستان» (۱۳۸۲)، «آیه‌های غربت» (۱۳۸۴)، «لونه شغال» (۱۳۸۹) و «خون رقصه» (۱۳۹۱) درحال حاضر برای علاقه‌مندان به آثار این هنرمند در سامانه اینترنتی تلویزیون تئاتر ایران به آدرس www.tv.theater.ir در دسترس هستند. سایر آثار این هنرمند در روزهای آینده به تلویزیون تئاتر ایران اضافه و در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

■ **خارج از گود**

این روزها و در آستانه جام‌جهانی تب فوتبال داغ‌تر از همیشه شده اما بد نیست بدانیم یکی از کسانی که آنچنان میلی به فوتبال نداشت و آن را خسته‌کننده می‌دانست، خورخه لوئیس بورخس نویسنده سرشناس است. بیزاری خورخه لوئیس بورخس از فوتبال فراتر از بحث‌های مربوط به زیبایی‌شناسی بود و این نویسنده آرژانتینی هرچند باور داشت فوتبال محبوب است اما در عین حال معتقد بود حماقت در این ورزش زیاد است. بورخس فوتبال را خسته‌کننده می‌دانست، چراکه امتیازهای مساوی در آن بسیار زیادند و او در مواجهه با این ورزش واکنشی چنین داشت: «من نمی‌توانم صدمات ساختگی را تحمل کنم.» از منظر زیبایی‌شنایی، او فوتبال را «زشت» می‌پنداشت و معتقد بود که این ورزش «یکی از بزرگترین جنایات انگلیسی‌ها» است و ظاهراً حتی یکی از سخنرانی‌هایش را طوری برنامه‌ریزی کرد که عمداً با اولین بازی آرژانتین در جام جهانی ۱۹۷۸ همزمان شود.

■ **کتاب**

«پنیر و کرم‌ها؛ جهان یک آسیابان قرن شانزدهمی» نوشته کارلو گینزبرگ با ترجمه ابوذر فتاحی‌زاده و محمدجواد عبداللهی منتشر شد. اهمیت کتاب حاضر در این است که خلاف آمدِ عادت رایج واقعه‌نویسان که مردان تربیت‌یافته‌ای چون برونو و گالیله را دستمایه خوانش خویش از تاریخ ساخته‌اند، شخصی از مردمان عادی را در کانون توجه خویش قرار داده است تا زمینه و زمانه او را از این رهگذر بازآفرینی کند و روزنی به تاریخی ناشنیده بگشاید که در آن دباغان در معیت یکدیگر در پستوها کتاب‌های ممنوعه می‌خوانند، چاروادارن در صف آسیاب در تأله سخن می‌گویند و شگفت‌تر آنکه آسیابانان خود به متونی شرقی و دیریاب چون قرآن استناد می‌کنند. این کتاب با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۲۲۵ هزار تومان در فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم راهی بازار کتاب شده است.

احداث ۲۰۰ سالن سینمایی در یک سال اخیر

محمد خزاعی: در مدت ۴۰ سال گذشته ۶۰۰ سالن فعال سینما در کشور احداث شده این درحالی است که با توجه به اقدامات انجام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی در یک سال اخیر ۲۰۰ سالن سینما در کشور احداث شده که تا پایان سال جاری به بهره‌برداری می‌رسند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد امکانات و تجهیزات دفاتر سینمای جوان کشور بسیار اندک و یا مربوط به سال‌های گذشته است. در همین ارتباط براساس مصوبه شورای عالی سینما تمام این دفاتر مجهز خواهند شد. بر این اساس امکانات و تجهیزات ۶۰ دفتر و ۴۰ نمایندگی سینمای جوان کشور با ۱۸۰ میلیارد تومان اعتبار به امکانات روز مجهز می‌شوند. همچنین بخشی از این اعتبار نیز برای تولید فیلم در انجمن سینمای جوان هزینه می‌شود. رویکرد دیگر سازمان سینمایی توجه به فیلم کوتاه است. در همین ارتباط ۷۰ درصد بودجه سینمای جوان استان‌ها در بخش تولید فیلم کوتاه و ۳۰ درصد نیز برای نخستین بار برای تولید مستند اختصاص پیدا کرده است.

بخشی از گفته‌های رئیس سازمان سینمایی در ایرنا

هرگز آنچه را امروز می‌توانی انجام دهی برای فردا نگذار، تأخیر کردن دزد زمان است.

دیوید کاپرفیلد، چارلز دیکنز

از خرافات آسیب‌زا دست برداریم

درنگ

دکتر نفیسه حشمتی‌مولایی
روانشناس

گفته می‌شود از زمانی که مردی به نام «خرافه» چند روز گم شد و پس از بازگشت خود به قبیله داستان‌های غیرقابل باور و خنده‌داری از وقایع آن چند روز و اسارتش توسط جنیان گفت، واژه خرافه برای اشاره به حرف‌های غیرقابل‌باور و بی‌منطق، که حتی ممکن است از شدت عجیب بودن موجب خنده شوند، متداول شد. از منظر علم روانشناسی، وقتی ذهن انسان نتواند موضوعی را تفسیر کند یا برایش دلیلی منطقی بیاورد، می‌تواند شروع به دلیل‌سازی‌های دور از منطق کند و به دنبال تأثیر نیروهای ماورایی بر خود بگردد. خرافات پدیده‌ای جهانی است و بسته به فرهنگ‌های گوناگون، باورهای متفاوتی اساس شکل‌گیری آن را تشکیل می‌دهد. برای مثال در یک فرهنگ، گربه سیاه را نشان شانس می‌دانند و در فرهنگی دیگر نشانه بدشگونی تلقی می‌شود؛ حال آنکه پژوهش‌های علمی، وجود و اثرگذاری شانس را رد کرده‌اند. تأثیر خرافات بر روان انسان چیست؟ آیا میزان تحت تأثیر خرافه بودن، ارتباطی با شرایط جسمی و روانی افراد دارد؟ آیا خرافات می‌توانند برای دیگران نیز مشکل‌آفرین شود؟ جالب است بدانیم که حتی تغییرات هورمونی ما می‌تواند روی گرایش ما به خرافه‌باوری اثر داشته باشد؛ درست مانند داستان فیلم سینمایی خوب و تفکربرانگیزی به نام «زالاوا»، که به واقعیتی تاریخی اشاره دارد و آن، بالاتر بودن آدرنالین در خون افراد روستای زالاوا است.

در واقع رابطه متقابلی بین جسم و روان ما وجود دارد. همان‌طور که اگر تغییرات هورمونی خاصی داشته باشیم، روی نوع تفکر ما هم اثر خواهد گذاشت، برعکس آن هم ممکن است؛ یعنی باورهای ما می‌توانند بر میزان ترشح هورمون‌هایمان اثر بگذارند؛ مانند کودکی که دچار مشکل در ترشح هورمون رشد شده است، فقط به این علت که محبت کافی دریافت نکرده و براساس خرافه‌باوری اطرافیان و انتقال آن به کودک، او باور کرده است که بدشگون است.

یادمان باشد که نباید از ماجرای خرافات به‌سادگی عبور کرد. درست است که برخی از باورهای خرافی چون حمل یک نماد خوش‌شانسی به همراه خودمان ممکن است تأثیر آسیب‌زای قابل مشاهده‌ای بر سلامت جسم و روان افراد نگذارد؛ اما برخی خرافات می‌تواند هم بر خود فرد، هم بر زندگی دیگران اثرات مخربی داشته باشد؛ از این رو برای کاستن آسیب‌های روانی و جسمی خرافه‌باوری افراد خرافی برخود و دیگران، ضروری است در مسیر خرافه‌زدایی بکوشیم. یکی از وظایف رسانه‌ها نیز همین است که مردم را آگاه‌تر کنند که خرافه باوری کاهش یابد. یکی از راه‌های مقابله با خرافه‌ها، افزایش دانش در مورد آن موضوع خاص است. برای مثال فردی که سواد پزشکی داشته باشد عطسه‌کردن را یک واکنش فیزیولوژیک عادی می‌داند و متوجه است که به مفهوم صبر ارتباطی ندارد. کسی که دانشی در حیطه روان‌شناسی یا علوم مرتبط با آن داشته باشد، می‌داند که حضور داشتن یا نداشتن شخصی که طلاق گرفته یا همسرش فوت کرده، در مراسم عقد دیگران، باعث بدشگونی و آسیب رسیدن به آن ازدواج نخواهد شد؛ بلکه همسرگزینی نادرست و ناآگاهی و بی‌مهارتی است که ازدواجی را با شکست مواجه می‌کند. اگر فرض بگیریم که سعد و نحسی وجود دارد، آیا چیزی بدشگون‌تر از بی‌اخلاقی و نادانی و در عین حال توهم همه‌چیزدانی، در جهان وجود دارد؟

جان کلام آنکه هر فرهنگی، خرافات خاص خود را دارد و مهم این است که برای رشد خود و دیگران، ارزش قائل باشیم و با افزایش دانش، از خرافات به دور بمانیم.

اثری به ابعاد آرزوهای ایران درودی

پیشنهاد

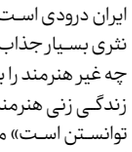

مونا طاهری
مدرس و پژوهشگر هنر

کتاب‌ها چنان قدرتی دارند که می‌توانند در قسمتی از زندگی که شاید مسیرمان را گم کرده‌ایم دریچه‌ای جدید از آگاهی و اندیشه را به رویمان بگشایند و در یک آن، روشنگر راهمان باشند. شاید می‌توان گفت اهمیت کتاب خوب خواندن کمتر از اهمیت کتابخوانی نیست.در شروع مسیر کتابخوانی و تبدیل به کتابخوان حرفه‌ای شدن هیچ چیز مهم‌تر از انتخاب کتاب‌های مناسب نیست. پس در شروع این راه در هر رشته و در هر دوره‌ای از زندگی انتخاب درست امری بسیار مهم است، بخصوص در رشته‌های هنرهای تجسمی که از نگاه من فرد باید کوله باری از اطلاعات در هر زمینه‌ای را با خود همراه کند، تا بتواند نگرشی درست به خود و پیرامون خود داشته باشد. در این میان شاید خواندن احوال هنرامندان بزرگ خالی از لطف نباشد و حتی می‌توان گفت بخش مهمی از تشکیل ساختار فکری درست برای یک هنرمند اجتماعی است. کتاب های بسیار در شرح احوال هنرمندان جهان و ایران چه از زبان خودشان و چه از زبان دیگران نوشته شده است، اما کتابی که سال‌ها پیش بسیار نظر مرا جلب کرد و همچنین بعدها به شاگردانم بی‌نهایت تأکید داشتم تا مطالعه کنند کتاب «در فاصله دو نقطه..!» نوشته خانم ایران درودی است.کتاب شرح احوال خود هنرمند از زبان خودش است. نثری بسیار جذاب و زیبا ومتنی دلنشین که هر خواننده‌ای چه هنرمند و چه غیر هنرمند را بر سر ذوق می‌آورد.کتاب نه تنها داستان فراز و نشیب زندگی زنی هنرمند است بلکه داستان نبرد با روزگار و بیان «خواستن توانستن است» می‌باشد. بیان اینکه چطور هر انسانی می‌تواند نادیده گرفتن‌ها و نا ملایمتی‌های دیگران نسبت به خود را تبدیل به نردبانی کند برای پیشرفت و چنان به خودباوری رسد که هیچ نیرویی نتواند او را از مسیری که سرنوشت برای او رقم زده است دور نگه دارد.هر خواننده‌ای پس از مطالعه کتاب نه تنها به هنر زیبای نقاشی هنرمند پی می‌برد بلکه

به توانمندی او درنگارش کتاب که سرشار از حس خوب زیستن است، نیز پی می‌برد. کتاب همچون نقاشی‌های هنرمند که تماماً نور امید را در آن می‌توان حس کرد، می‌ماند و هر هنرمندی را که در مسیر زندگی‌اش دچار ناملایمتی‌هایی شده است به تلاش وا می‌دارد، تا برای رسیدن به سرمنزل مقصود از هیچ تلاشی دست نکشد.آن گونه که هنرمند در قسمتی از کتاب بیان می‌کند: «تا این مرحله از زندگی دانسته‌ام که می‌باید کوله بار غم‌ها و دلتنگی‌ها را بر زمین گذارد و به استقبال آینده رفت ،حتی اگر این آینده یک روز یک ساعت یا فقط یک لحظه باشد.مطمئن هستم بهترین لحظه، لحظه بعدی زندگی‌ام خواهد بود. شاید لحظه بعدی، نوید خلق اثری باشد که هنوز نیافریده ام، ولی لحظه بعدی، اثری به ابعاد آرزوهایم، اثری به رنگ عشق‌هایم، اثری به شفافیت تمام آینه‌ها، خلق خواهم کرد و سپس این اثر را در بالاترین نقطه آسمان برخواهم افراشت تا تصویر تمامی این جهان در آن انعکاس یابد.»

درفاصله دونقطه
نویسنده: ایران درودی
نشرنی

هنرتشکیل‌گروه

یادداشت

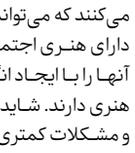

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

جامعه از گروه‌های مختلف تشکیل شده است. اگر برای جامعه بخواهیم دسته‌بندی درنظر بگیریم می‌بینیم که درون آن از گروه‌هایی مانند گروه همسالان (کودکان، نوجوانان، جوانان و سالمندان)، گروه‌های هنری، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و ... وجود دارند و به تناسب کارکردهایشان، برای گروه‌شان دارای هدف مشخص هستند که در نتیجه نقش‌های مختلفی را نیز می‌پذیرند و اجرا می‌کنند. حضور این گروه‌ها در جامعه لازم و ضروری است زیرا عملکرد افراد این گروه‌ها که نتایج آن به کمک بهبود زندگی مردم می‌آید از نتایج شرح وظایف و کارکردهای همین گروه‌ها تغذیه می‌شود.

موضوعی که در این یادداشت برای ما دارای اهمیت است، افرادی هستند که باعث تشکیل گروه‌های هنری می‌شوند. بعضی از افراد در درونشان دارای مهارت سرگروه شدن، رهبر شدن و مدیر بودن هستند که وقتی در موقعیت آن قرار می‌گیرند، به صورت خودجوش از طریق تعامل با دیگر افراد از خانواده گرفته تا اطرافیانشان اقدام به جمع کردن افراد هم سو و هم نظر می‌کنند. آنها اهدافی را دنبال می‌کنند که می‌تواند هدف افراد گروهشان نیز شود این افراد به نوعی دارای هنری اجتماعی هستند که توانایی یافتن و گردهم آوردن آنها را با ایجاد انگیزه‌های مؤثر در یک یا چند موضوع فرهنگی یا هنری دارند. شاید تشکیل یک گروه با هدف کارآفرینی از پیچ و خم و مشکلات کمتری برخوردار باشد ولی گردهم آوردن افراد هنرمند در یک گروه خود نوعی مهارت اجتماعی است که فرد سرگروه در کنار ایجاد ارتباط مناسب با نفرات آنها را در تشکیل یک گروه ترغیب می‌نماید. تجربه معاشرت با افراد هنرمند به ما نشان داده که اکثر قریب به اتفاق آنها تمایل دارند که به صورت فردی و برای

خلق آثاری که از درون فکر و احساس‌شان بیرون می‌آید، تلاش کنند. عموماً در خانه‌های خود گوشه‌ای امن که به نوعی منطقه آرام و دنیای احساسی‌شان است، مشغول به کار می‌شوند و آثاری را خلق می‌کنند که از دل برمی‌آید. گاهی اوقات آنها حتی تمایلی به ارائه آثارشان به دیگران ندارند و برای خود نگه می‌دارند. حال با این توصیف، افرادی که بتوانند از یک شاخه هنری افراد را بیابند و دورهم جمع‌شان کنند تا برای هدفی مشترک به خلق اثری یا آثاری بپردازند، خود آن فرد از هنری والا و مهارتی حرفه‌ای برخوردار است ولی متأسفانه در بیشتر مواقع و در گروه‌ها هنر این افراد سرگروه و رهبر بدین شکل دیده نمی‌شود و تنها اثر خلق شده وجهه اجتماعی و ارائه به جامعه را پیدا می‌کند.

دلیل تراشی: انگور ترش و لیمو شیرین!

یک فنجان حرف

رامتین ایمانی‌نوبر
روانشناس

«ماهیان آنچه را که خود نتوانند پیمود، ناپیمودنی می‌دانند.»
فریدریش نیچه

در ماجرای روباه و انگور که منسوب به ازوپ-داستان نویس و برده شهیر در یونان باستان- است، آمده: «در یک روز گرم تابستانی روباهی در باغی قدم می‌زد تا اینکه به خوشه انگوری که روی شاخه مرتفع درختی رشد کرده بود، رسید. با خود گفت:این چیزی است که تشنگی من را رفع می‌کند. چند قدم به عقب رفت، دوید و پرید اما نتوانست شاخه را بگیرد. سپس با شمارش سه، دوباره به بالا پرید، اما بازهم موفق نشد. او بارها و بارها برای گرفتن میوه لذیذ تلاش کرد اما هربار ناکام می‌ماند تا بالاخره مجبور شد آن را رها کند. پس سرش را بالا گرفت و گفت: «مطمئنم که ترش هستند.» در ادبیات اصطلاحاً به این رفتار «انگورهای ترش» می‌گویند که برآمده از یکی از مکانیزم‌های دفاعی در روانکاوی با عنوان توجیه‌سازی یا دلیل تراشی است. این مکانیزم دفاعی اولین بار در سال ۱۹۰۸ توسط ارنست جونز، عصب شناس و روانکاو ولزی مطرح شد تا نشان دهد که افراد چگونه انگیزه‌های ناخودآگاه خود را شکل می‌دهند. او دلیل تراشی را به‌عنوان توضیحی ظاهراً قابل قبول اما اساساً نادرست برای توجیه اعمال غیرمنطقی خود برای دیگران تعریف و اصطلاح فرار را برای توصیف این مکانیزم انتخاب کرد. به این ترتیب، در طول یک قرن اخیر تعاریف گوناگونی از این مکانیزم دفاعی صورت گرفت؛ یکی از تازه‌ترین تعاریف را دکتر نیل برتون روانپزشک و فیلسوف انگلیسی در مقاله‌ای درخصوص این مکانیزم دفاعی نوشت: «دلیل تراشی مکانیزمی است برای استدلال‌های ضعیف و یا غیرواقعی، آن هم به منظور دور زدن چیزی که پذیرش آن دشوار است یا دلپذیرتر به نظر می‌رسد.» دشوار بودن پذیرش همان «انگورهای ترش» می‌شود اما دلپذیر به نظر رسیدن آن در تعاریف جدید با عنوان «لیموهای شیرین» شناخته می‌شود که این اصطلاح شکل دوم دلیل تراشی می‌باشد. به عقیده دکتر برتون، مثلاً اگر روباه بگوید که باغ‌های دیگر، انگورهای بهتری از اینجا دارند، یعنی که او از دلیل لیمو شیرین استفاده کرده است. از این رو، این دلیل تراشیها در روابط و یا رویدادهای زندگی افراد نیز ممکن است به طور مکرر رخ بدهد. به طور مثال زمانیکه شخصی توسط دیگری در یک رابطه عاطفی طرد شده ممکن است با خود بگوید:«همان بهتر شد که نشد چون آدم مناسبی برای من نبود» که در این صورت او طعم انگور ترش را چشیده است. همچنین اگر بگوید که «عوضش این اتفاق باعث شد تا من فرصت بیشتری داشته باشم که به اهداف دیگر زندگی‌ام برسم»، در اینجا او لیمو شیرین را گاز زده است. بنابراین می‌توان گفت کارکرد این مکانیزم همان‌طور که ارنست جونز اعتقاد داشت، فرار از خویش و حقیقت یا به تعبیری دیگر خود فریبی است. در واقع فرد برای اینکه با اضطرابی که از احساس آزاردهنده ناکامی ناشی شده مواجه نشود، شروع به استفاده از این مکانیزم دفاعی برای کاهش اضطرابش می‌کند، مکانیزمی که مانند سایر مکانیزم‌های دفاعی به‌صورت ناخودآگاه یا در کمترین حد خودآگاهی صورت می‌گیرد. با این تفاصیل دلیل تراشی همیشه هم بد نیست. حتی پاره‌ای از اوقات دلایل ما برای ناکامی هایمان نیز می‌تواند قابل قبول و اساساً منطقی باشد تا نه طعم انگور ترش را بدهد و نه مزه لیمو شیرین را. ضمن اینکه حتی می‌تواند برای تاب آوردن برابر اضطراب های ناشی از ناکامی، التیام بخش هم باشد. با اینحال اگر استفاده از این مکانیزم بدل به عادت شود، آن وقت فرد در یک دور تسلسل استیصال برای سازگاری با واقعیت قرار می‌گیرد که به دوری از خویش و سرانجام گرفتاری در باتلاق سردرگمی می‌انجامد. بنابراین برای آگاهی بیشتر و یافتن زیرایی‌های این تعارضات و تنش‌های درونی که غالباً ریشه در ناخودآگاه دارند، می‌بایست به هزارتوی قلمرو مه‌آلود این ادله و چرایی‌هایش سفر کرد. به هر روی، ماهیان نیچه و روباه و انگور ازوپ، هر دو مصداق بارزی از دلیل تراشی هستند که انگار با یک ضرب المثل مشهور نیز سنجاق خورده‌اند: «گربه دستش به گوشت نمی‌رسه میگه بو میده.» اما این بار شما بگویید: دلیل تراشی گربه با طعم انگور ترش است یا لیمو شیرین؟ اگر انگور ترش باشد، لیمو شیرین آن چگونه خواهد بود؟ و اساساً ادله منطقی درست برای ناکامی او می‌تواند چه باشد؟ پاسخ به این سؤالات یعنی یافتن زیرایی‌های همان چرایی‌ها، چرایی‌هایی که ادله، برایش تراشیده شده‌اند.

عکس نوشت

پانزدهمین جشنواره بین المللی فرهنگ و اقتصاد اقوام ایران زمین شامگاه سه‌شنبه با حضور احمد وحیدی وزیر کشور در گرگان آغاز به کار کرد. این جشنواره از ۱۷ تا ۲۱ آبان ماه به مدت پنج روز در محل نمایشگاه بین‌المللی گرگان برپاست.